



برترین جهاد امت انتظار فرج است / اولین، برترین و محبوب ترین عبادت

طبق روایات ائمه معصومین انتظار فرج، اولین، برترین و محبوب ترین عبادت است و از سویی جهاد افضل خوانده شده است.

طبق روایات ائمه معصومین انتظار فرج، اولین، برترین و محبوب ترین عبادت است و از سویی جهاد افضل خوانده شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه سی و ششم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

بحث ما این است که این حقیقت دینی که بواسطه اش دین داری لازم است چیست؟ یک نکته بسیار مهم وجود دارد و آن این که مردم متوجه بشوند حقیقت دین چیست؟ من گاهی می شنوم می گویند من هر طور بخواهم با خدا نیایش می کنم، نیاز به نماز خواندن نیست. نمی دانم این آموزه غلط از کجا پیش آمده که تصور اینست که نماز خواندن صحبت کردن با خداست، لذا طرف می گوید من هر طور خواستم با خدا صحبت می کنم، اینها حرف های تصوف است. یک بحث عرب و عجم هم پیش می آورند، خیلی متأسفم برای این جور تفکرها، که هنوز فکر می کنند بحث بندگی بحث قومیت است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: **أَوْلَىٰ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسَ أَوَّلِينَ كَسَىٰ** که مقایسه کرد و قیاس کرد ابلیس بود، و **اسْتَكْبَرَ وَإِلَّا سَتِكَبَارَ** و ابا کرد از بندگی خدا، **هُوَ أَوْلَىٰ مَعْصِيَتِهِ** اولین گناهی بود که عَصِيَّ اللّٰه يَهَا که خدا بواسطه آن نافرمانی شد، مشکل ابلیس در ربوبیت حضرت حق نیست حضرت حق را به ربوبیت قبول دارد، در عبودیت است در توحید بندگی مشکل پیدا کرد و **أَلَا** در ربوبیت می گوید رب پرورگار منی، و رب مهمترین اسم از اسمای الهی است به حضرت حق با واژه رب می گوید: **أُعْتَقِي مِنَ السُّجُودِ** من را از سجده آدم معاف کنید **مِنَ السُّجُودِ لِأَدَمَ** مرا معاف کن ولی در مقابل **وَ أَنَا أَعْبُدُكَ عِبَادَةً لَمْ يَعْبُدْكُمَا** تورا در مقابلش یک جوری می پرستم که نپرسیده باشد تو را **مَلَكًا مُّقْرَبَ جِبْرَائِيلَ** و فرستادگان الهی تو. **فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ: لَا حَاجَةَ إِلَيَّ عِبَادَتِكَ** من هیچ احتیاجی به بندگی تو ندارم.

در یک حدیث قدسی خداوند به بندگانش می فرماید: **بندگان من اگر همه مثل خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله من را بپرستید به اندازه جناح بَعُوضَةٍ** یعنی بال مگس به عزت و سلطنت من اضافه نمی شود و اگر همه تان مثل اشقی اشقی مرا نافرمانی بکنید **مِنَ الْأَوَّلِينَ** و الاخرین به اندازه جناح بعوضه از عزت و سلطنت من کم نمی شود. این تفسیرش همین است **لا حَاجَةَ لِي إِلَيَّ عِبَادَتِكَ** تو که یک نفری من اولین و آخرین به بندگی تو احتیاجی ندارم، **إِنَّمَا أُرِيدُ أَنْ أَعْبُدَ مَنْ حَيْثُ أُرِيدُ** من اراده کردم بپرستیده بشوم از آن راهی که می خواهم، **لَا مَنْ حَيْثُ تُرِيدُ** نه از آن راهی که تو می خواهی، **قَابِي** آن **يَسْجُدُ** به لجاجت خودش باقی مانده و سجده نکرد. نکته ای که در حدیث شریف وجود دارد این است که دین من درآوردی نیست که من بگویم با خدا هر جور دلم بخواهد صحبت می کنم، با خدا هر جور دلت بخواهد صحبت بکن ولی باید خدا را بپرستی، پرستش خدا به هر شکلی که تو می خواهی حاصل نمی شود این حرف ابلیس است. و زیاد هم در جامعه می شنویم. آقا من نماز نمی خوانم حجاب رعایت نمی کنم ولی دروغ نمی گویم دروغ نگفتن و نماز خواندن هم وظیفه ات هست هیچ ربطی بهم ندارد این کار را باید انجام بدهی، آن کار را هم باید انجام بدهی. جایگزین هم نیستند اصلاً و ابداً. این یکی از بزرگترین مشکلاتی است که گریبان جامعه ما را گرفته است. جامعه ما نمی داند اخلاق شایسته است یا بایسته یعنی خوب است که اخلاق داشته باشیم یا باید اخلاق داشته باشیم؟ اخلاق یکی از ارکان دین است یکی از اجزای دین است یعنی ما چیزی نداریم که بی اخلاق باشد اما بی دینی نباشد، هر عمل غیر اخلاقی قطعاً غیر دینی است. اما جامعه به این سمت و سو رفته که رفتارهای اخلاقی را جدای از رفتارهای دینی کرده، نتیجه این شده که می گوید دین بدرد نمی خورد اخلاق بدرد می خورد. اخلاق هم جز دین است. مجموعه تعالیم و مفاهیم معارف و حیانی حضرت حق بسوی خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بخشی در حوزه اعتقادات است که می شود اصول دین بخشی در حوزه عمل است که می شود ایدئولوژی، عمل ها بخشی اش مناسک است که پرستش است بخشی تعامل با اجتماع است که اخلاق است. بنابر این، این نکته را دقت بفرمائید که نمی شود هر طوری دلمان بخواهد خدا را بپرستیم. به این معنا وجود نازنین حضرت صادق علیه السلام اشاره فرمودند.

- طبق این نکته که: **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بَمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا يَه؟** می خواهید شما را خبر بدهم به آنچه خدای عز وجل هیچ عملی را مگر در سایه آن نمی پذیرد یعنی اگر آن زیر بنا درست شده باشد هر چقدر هم انفاق بکنید

نمی پذیرد، هر چقدر با خدا نیایش کنید نمی پذیرد ما این را باید یاد بگیریم بندگی راهی است برای به کمال رسیدن من و این طبق نقشه ای است که خدا صادر کرده است نه طبق عقلانیت من، من بواسطه عقل و اختیارم می توانم نقشه انبیاء سلام الله علیهم اجمعین را در اختیار بگیرم و به کمال خودم برسم و محال است کسی بتواند بواسطه عقل خودش به کمال لایق و شایسته ای که حضرت حق اراده کرده برسد.

وجود نازنین حضرت صادق علیه السلام فرمودند: من خبر بدهم به شما از آن گوهری که هیچ عملی پذیرفته نمی شود مگر در سایه آن گوهر. ابا بصیر راوی حدیث است می گوید عرض کردم بله یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت فرمودند: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَوْحِيدٌ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ عِبَادَةٌ وَبِنْدِهِ بُودُنٌ وَرِسَالَتُ حَضْرَتِ خْتَمِي مَرْتَبَتِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْإِقْرَارُ كَرْدُنْ بِهٖ اَنْچِهٖ خدَا دِسْتُور دَادهٖ یعنی رهاورد فرمایشات انبیاء خاصه وجود نازنین ختمی مرتبت همه اش وحی است چون در قرآن است چون در سینه مبارک حضرت است و از زبان مبارک خارج می شود، وَ وِلَايَةُ لَنَا سِرْپَرَسْتِي مَا وَالْبَدَاةَ مَنْ وَعَدَاتُنَا، خَاصَّةً بِرَأْتِ وَ بِيْزَارِي جِسْتِنِ اَز دَشْمَنَانِ مَا وَ التَّسْلِيمِ لِهْمُ تَسْلِيمِ ائْمَةِ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اِجْمَعِينَ بُودُنْ، وَ الْوَرَعُ وَ الْاِحْتِيَاذُ وَ الطَّمَأْنِينَةُ وَرَعٌ يَعْنِي اِحْتِيَاظَ عَقْلِي كَرْدُنْ جُورِي زَنْدِگِي كَرْدُنْ كِه كِه بَا صَخْرَهٗ گناه مواجه نشویم تا بخواهیم گناه را ترک کنیم یعنی یک قدم جلوتر یک جوری زندگی کن که اصلاً با حرام مواجه نشوی. این را می گویند ورع و رسیدن به این نقطه بسیار سخت است به همین دلیل می گویند دین داری کار سختی است.

وجود نازنین علی علیه السلام وقتی پیغمبر صلی الله علیه و آله به ایشان خبر می دهند در ماه مبارک رمضان محاسن حضرت به خون فرقتان آغشته می شود، اولین س&ZWj&؛ؤالی که حضرت می کنند. او بسلامته دینی؟ آن موقع که دارم از دنیا می روم من علی علیه سلام، منی که دومین نفر جهان خلقت هستم، منی که قرار است در قیامت از همه شفاعت کنم، منی که گره گشا هستم، منی که همه هستی به طفیل وجود من است من از شما س&ZWj&؛ؤال می کنم که نفر اول هستی ایسلامته دینی من آن موقع دینم سالم است. یعنی دین داری کار سختی است. اگر نبود که علی علیه السلام چنین س&ZWj&؛ؤالی نمی کرد س&ZWj&؛ؤال: حضرت برای ماها این س&ZWj&؛ؤال را نپرسیده؟ پاسخ: نه برای خودش پرسیده چرا ما این احساس را می کنیم؟ منتهی او در یک فضائی دیگر هست. دین داری حضرت با ما قابل قیاس نیست و الاجتهاد دینی تلاش کردن در مسیر حضرت حق بودن، طمأنینه لازمه یقین است. شما به یقین برسید، الْاِئْتِظَارُ لِلْقَائِمِ یعنی نهمین رکن از ارکان دین آن چیزی که خداوند نمی پذیرد عمل را فکر در سایه آن انتظار و فرج و قائم علیه السلام است. بنابر این لازم است ما در باب انتظار قائم علیه السلام پژوهش بکنیم و به نتیجه برسیم دوتا نکته را بیان بکنم.

۱- اول: اِنْتِظَارُ قَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بِفَرْمَايِشِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ اَوَّلُ لِعِبَادَةِ نَخْسْتِيْنِ عِبَادَتِ وَ بِنْدِگِي خدَا اِنْتِظَارِ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ منتظر بودن همراه با شکیبائی است.

۲- فرمایش دوم: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَفْضَلُ لِعِبَادَةِ اِنْتِظَارِ الْفَرَجِ نِهٖ اَيْنِكِهٖ اَوْلِيْنِ عِبَادَتِ اِسْتِ بَلِكِهٖ بَرْتَرِيْنِ عِبَادَتِ هَمُ هَسْتِ.

۳- از وجود نازنین حضرت امیر علیه السلام س&ZWj&؛ؤال کردند اَيُّ الْاَعْمَالِ اَحَبُّ اِلَيَّ اللَّهُ مَحْبُوتِ تَرِيْنِ عَمَلِ نَزْدِ خدَاوَنْدِ چيست؟ قَالَ: اِلْتِظَارُ الْفَرَجِ، وَ چَهَارْمِيْنِ حَدِيْثِ كِه وَجُودِ نَازِيْنِيْنِ پِيَاْمِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهٖ بِيَاْنِ مِي كَنْدِ - اَفْضَلُ الْجِهَادِ اُمَّتِي اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ.

ما سه نوع جهاد داریم: جهاد با نفس که انسان در مقام تزکیه و تهذیب و سلوک برآید طبق آنچه محمد و آل محمد فرمودند (صلی الله علیه و آله) این می شود جهاد اکبر، در معرکه جنگ بودن به دستور پیغمبر امام یا نایب خاص هر یک از این دو بزرگوار (سلام الله علیهم اجمعین) این می شود جهاد اصغر، و انتظار فرج می شود جهاد افضل، افضل الجهاد اُمَّتِي بَرْتَرِيْنِ جِهَادِ اِمْتِ مَن اِنْتِظَارِ فَرَجِ اِسْتِ.

ما باید برویم ببینیم آن آقائی که باید منتظرش باشیم کیست؟ از کدام سئاله است؟ الان اگر نیست چرا نیست؟ الان که نیست هیچ فایده ای ندارد؟ یا فوایدی بر وجود نازنینش مترتب است؟ اینها همان بحث هایی می شود که ما داریم انجام می دهیم بنابر این، این نکته را دقت کنید دین من در آوردی نیست، غالباً کسانی که چنین حرف را می زند رفتارهای اخلاقی را جانپوشن مناسک می کنند.

انسان موجودی است دارای چهار مسئولیت:

۱- مسئولیت نسبت به خودش که باید تهذیب نفس بکند، هم عقلش، هم قلبش و هم نفسش را، ما فقط مراقب جسم مان هستیم. جسم را خوب می پائیم، ولی نه به نفس کاری داریم نه به قلب کاری داریم و نه به عقل نه عقل مان را به کمال و رشد رساندیم، نه نفس مان را به تهذیب و نه قلب مان را شکوفا کردیم که بیت الله بشود.

۲- مسئولیت نسبت به جهان و طبیعت، باید مراقب باشیم. تو باید محیط زیست را مراقب بکنی و محیط زیست را مراقب بکنی. یک موقع است می گوئی آب را مراقب باشید کم است. این می شود خواسته بشر، غلط است، آب را مراقب باش ولو تمام سدها پر باشد چون اسراف است این می شود بندگی.

۳- سومین مسئولیت نسبت به هم نوع است که تولید کننده اخلاق است من به شما نباید خیانت بکنم. من نباید به شما دروغ بگویم. فرق بین اخلاق مادی و اخلاق الهی در همین جاست. اخلاق الهی مسئولیت من نسبت به شماست چه شما از پس مسئولیت در مقابل من بریائید چه برنیائید. ولی در اخلاق مادی ابزار اخلاق و اعمال اخلاق منفعت طلبانه است. من دروغ به تو نمی گویم که دروغ به من نگوئی، خیانت نمی کنم که خیانت نکنی در اسلام خلاف این است. اتفاقاً به ما می گوید صَلِّ مَنْ قَطَعَكَ أَنْ كَهْ مِنْ بَرِيْدَةٍ بَرُوْا بِأَوْ رِفَاقَتِ بَرَقْرَارِ كُنْ، کسی که به تو بدی کرده به او خوبی کن یعنی دنبال این نباش هر کاری می کنم تلافی جویانه باشد. تو مگر برای من داری این کار را می کنی؟ داری مسئولیت را انجام می دهی.

۴- چهارمین مسئولیت نسبت به خداست، نسبت بخدا باید بنده باشم حالا من هر چقدر هم که از پس اخلاق شما بریایم، هر چقدر هم محیط زیست را بپایم ولی این جبران کننده مسئولیت من نسبت به حضرت حق نخواهد بود. جای خودش را دارد.

دوتا مطلب داریم: ۱ - این که ما بی خیال، زندگی را طی کنیم چون خدا کریم است این دخل بازی است این تشبیه است و تشبیه اسلامی نیست. مسیحی ها می گویند اصلاً آب در دلتان تکان نخورد چون حضرت عیسی علیه السلام به صلیب کشیده شد که شماها راحت باشید. یهودیان می گفتند ما چرا بجنگیم موسی علیه السلام تو برو با خدای خودت با فرعون بجنگ. این حرف آنهاست. این معنا نیست که ما هر جوری خواستیم زندگی بکنیم چون خدائی که می خواهد با ما مواجه بشود کریم است.

یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ، علی علیه السلام ذیل این آیه یک خطبه فرمایشات آسمانی دارد می فرماید: چه شده تو خواب رفتی؟ این حرف را خواب زدگی امت می داند، چرا از خواب بیدار نمی شوی؟ چرا این قدر که دلت برای دیگران می سوزد برای خودت دلت نمی سوزد؟ چرا این قدر که برای دیگران گریه می کنی برای خودت آشفته نمی شود؟

امام باقر علیه السلام می فرمایند شیطان می گوید بلائی سر مردم می آورم که امر آخرت برایشان آسان باشد یعنی بگویند که خدا کریم است همه چیز را حل می کند، این مسخره کردن خداست اما من تلاش می کنم به اندازه توانم قطعاً نمی توانم آنچه را شایسته است انجام بدهم آنگاه خداوند می فرماید من می بخشم، پس من یک تلاشی بکنم. به همین دلیل گفتند تو تلاش بکن در مسیر قرار بگیری بقیه اش را ما انجام می دهیم. *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ* تو یک گام بردار من ده گام برمی دارم. تلاش با تمام توانم قطعاً قطعاً همراه با لغزش است قطعاً همراه با خطاست اما خداوند می فرماید من باید درستش کنم درست می کنم.